

رابطه هستی و چیستی

یکی از مباحث اولیه‌ی فلسفه، درک دو مفهوم «هستی و چیستی» و تعیین نسبت میان آن دو است.

هستی = وجود

چیستی = ماهیت

برای شناخت این دو مفهوم و نسبت میان آنها چند قدم بر می‌داریم.
قدم نخست

اصل واقعیت مستقل از ذهن:

در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که به حسب نیاز از آنها استفاده می‌کنیم؛ یعنی قبول داریم آب و غذا و... که پیرامون ما هستند، اموری واقعی هستند نه اموری تخیلی و ساخته ذهن ما. این که ما برای رفع نیازهایمان سراغ واقعیت‌های پیرامونی می‌رویم نشانگر آن است که می‌دانیم در اطراف ما چیزهایی واقعی هستند.

قدم دوم

پسری که به باغ وحش رفته است و حیوانات آن جا را نمی‌شناسد، با دیدن هر حیوانی از پدر خود می‌پرسد: «این چیست؟»

این سوال نشان می‌دهد که او به «وجود» حیوانات پی برده اما «ماهیت و چیستی» آنها را نمی‌داند.

از این ماجرا می‌توان دو نتیجه گرفت:

- ۱- انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند، دو جنبه می‌یابد: یکی موجود بودن و دیگری چیستی داشتن.
- ۲- وجود، وجه مشترک موجودات است و ماهیت، وجه اختصاصی آنها.

قدم سوم

نسبت میان موجودات و ماهیت:

فارابی به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه‌ای کرد و ابن سینا راه فارابی را ادامه داد. وجود و ماهیت دو مفهوم مختلف از یک چیزند. یعنی زمانی که هر واقعیت واحد که در خارج از ذهن ما وجود دارد را در نظر می‌گیریم، در ذهنمان دو مفهوم مختلف و مغایر «چیستی و هستی» را از همین یک موجود واحد به دست می‌آوریم.

نکته:

عبارات زیر غلط است:

- وجود و ماهیت دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند؛ مانند: اکسیژن و هیدروژن برای آب.
- وجود و ماهیت دو امر جداگانه در خارج هستند.
- وجود و ماهیت دو موجود مختلف هستند.

عبارات زیر صحیح است:

- وجود و ماهیت دو مفهوم مغایر در ذهن هستند.
- وجود و ماهیت دو حیثیت یک موجودند.
- وجود و ماهیت دو جنبه از یک موجودند.

از خود بپرسیم:

- ۱- اعمال و رفتار ما و استفاده‌ی از آنچه در پیرامون ماست برای رفع نیازهایمان نشانگر چیست؟
- ۲- سایه‌ای را از دور می‌بینیم اما با یک‌دیگر اختلاف داریم که آن سایه چیست؟ این تعبیر بیانگر چه مطلبی است؟
- ۳- وجه مشترک موجودات؟ وجه اختصاصی موجودات؟

مدرسه مجازی اینو